

بیداری فرانسه از رویای اولاند

پس از تقریباً یک ماه استراحت به مناسبت تعطیلات تابستانی، پاریس دوباره در رابطه با دولت تازه‌تاسیس سوسیالیست این کشور دچار دو شوک متفاوت شد.

اکونومیست / مترجم: علیرضا ثمودی

بیداری فرانسه از رویای اولاند

پس از تقریباً یک ماه استراحت به مناسبت تعطیلات تابستانی، پاریس دوباره در رابطه با دولت تازه‌تاسیس سوسیالیست این کشور دچار دو شوک متفاوت شد.

یکی به دلیل روبه‌رو شدن با برخی خبرهای بد و دیگری به دلیل این که محبوبیت فرانسوا اولاند، رئیس‌جمهور و مارک آیرولت، نخست‌وزیر این کشور بشدت کاهش را نشان می‌دهد. در واقع محبوبیت این دو برای نخستین بار به زیر 50 درصد رسیده است. در یک نظرسنجی محبوبیت فرانسوا اولاند نسبت به گذشته 11 درصد کاهش را نشان می‌دهد. در موردی دیگر این محبوبیت به زیر 49 درصد سقوط کرده و در واقع به همان میزانی رسیده است که در سال 2007 نیکلا سارکوزی از آن برخوردار بود.

خبرهای تازه اقتصادی هم به اندازه کافی تلخ بود، زیرا نشان می‌داد که تولید ناخالص داخلی فرانسه ثابت مانده و رشدی نداشته است. میزان بیکاری در حال افزایش است، به نحوی که در 13 سال گذشته تاکنون سابقه نداشته است. بسیاری از کارخانجات یا تعطیل شده یا بدون کار مانده است، از جمله مرغداری‌ها در منطقه بریتانی واقع در شمال غرب فرانسه. در این میان بزرگ‌ترین توفان زمانی به وقوع پیوست که خبر مربوط به شرکت هواپیمایی ایرفرانس منتشر شد. این شرکت بیش از 5000 شغل خود را لغو کرد. یک تولیدکننده خودرو نیز در پاریس طرح خود را که تامین‌کننده 3000 شغل بود به زمانی نامعلوم موکول کرد.

علاوه بر مشکلات اقتصادی، دولت به طور خلاصه با شورش‌هایی مواجه است که روز به روز در حال افزایش است. این حوادث بخصوص با اخراج مهاجران رومانیایی‌الاصل از کمپ‌های غیرقانونی‌شان تشدید شد. علاوه بر همه اینها باید از اعتراضات دیگری صحبت کرد که بر سر نیروگاه‌های هسته‌ای فرانسه شکل می‌گیرد و فراتر از همه اینها موضع نهایی فرانسه درباره تعهدات مالی پیشنهادی از سوی اتحادیه اروپاست که باید بزودی پارلمان به آن پاسخ دهد.

در این میان شاید اولاند با تردستی خاصی بتواند مشکلات را مدیریت کند، اما پرسش بزرگ‌تر این است که دولت چگونه می‌خواهد به قول‌هایش عمل کند، بخصوص در زمینه ایجاد شغل بیشتر یا حفظ سطح تولید با این اقتصاد در حال ویران و کساد بازار؟ طبق پیش‌بینی مقامات رسمی هم‌اکنون - یعنی تا پیش از آن که قیمت‌ها در سال 2013 افزایش یابد - دولت نیازمند 33 میلیارد یورو (41/3 میلیارد دلار) برای انجام تعهدات و مهار پیامدهای ناشی از کسر بودجه 3 درصدی خود است؛ شکافی واقعی که هر روز بزرگ‌تر می‌شود.

نخست‌وزیر فرانسه باید هر طور شده بودجه را با همین ضعف‌هایی که دارد سرپا نگه دارد. از آن گذشته دولت درباره پیامدهای افزایش مالیات‌ها هوشیار است و می‌داند که چه تاثیری بر بخش‌های ثروتمند جامعه و شرکت‌ها خواهد گذاشت. دولت برنامه‌ای موقتی را برای سه ماه تدوین کرده است که در آن بهای سوخت برای بخش‌های تولید و توزیع کاهش می‌یابد و شبیه همان برنامه یک ساله‌ای است که نیکلا سارکوزی درباره مالیات سرمایه‌داران وضع کرده بود، اما این برنامه باید عمومی‌تر شود، دست‌کم به نحوی که رای‌دهندگان سوسیالیست را هم دربرگیرد، اما چپ‌ها نسبت به ژست‌های دولت ناامید شده‌اند؛ زیرا احساس می‌کنند حرف‌های بلندپروازانه‌ای که فرانسوا اولاند درباره «171#«روای فرانسه» مطرح می‌کرد و قول می‌داد که آن را از نو بیدار خواهد کرد دیگر خریداری ندارد. تلاش برای کاهش بهای سوخت آن هم در حد بسیار ناچیز شش سنت در لیتر نمی‌تواند مشکلی را حل کند و به اعتقاد ناظران، ادامه این سیاست موجب بسته شدن کارخانه‌ها شده و در نهایت ضربه سختی را به کارگران وارد خواهد کرد. از سوی دیگر بازرگانان نیز که حتی آقایی اولاند آنها را برای صرف ناهار به کاخ الیزه دعوت کرد کاملاً بی‌میل به نظر می‌رسند، بخصوص وقتی با این حقیقت روبه‌رو شدند که با افزایش مالیات‌ها دیگر معنایی برای رقابت وجود نخواهد داشت.

نخست‌وزیر فرانسه با اتحادیه‌های کارگری مذاکراتی را در پیش گرفت که در آن نحوه تامین هزینه‌های اقتصادی بیمه‌های اجتماعی بررسی شود، زیرا هزینه‌های فعلی آن بر کارگران فرانسوی گران می‌آید. با این حال به نظر نمی‌رسد این کار هم تا بهار آینده بتواند به نتیجه روشنی برسد. در همین رابطه وزیر اقتصاد فرانسه پیشنهاد دیگری را ارائه داد که مبتنی بر تاسیس یک بانک سرمایه‌گذاری به جای مراکز خرید کارگری بود که این طرح نیز موجب از دست دادن نزدیک به 150 هزار شغل خواهد شد.

تمام این تقلاها تنها فایده‌اش بیداری فرانسوی‌ها از یک خواب و رویا بوده است که حال به نوعی خود را در آخرین نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد. در این میان البته طرفداران جناح چپ فرانسه می‌خواهند با تعبیرهایی همچون #171؛ تازه‌کار بودن؛ یا #171؛ بیماری اقتصاد؛ ناکامی‌های اولاند را توجیه کنند، اما در یک نظرسنجی نشان داده شد که 72 درصد پرسش‌شوندگان این طور فکر نمی‌کنند و معتقدند دولت جدید فرانسه در مواجهه با بحران‌های اقتصادی کاملاً ناموفق بوده است.

دردسر آقای اولاند این است که از همان ابتدا به این دلیل انتخاب شد تا بتواند رئیس‌جمهور فعالی باشد. او کسی بود که فرانسوی‌ها احساس می‌کردند با کمک او قادر به عبور از این بحران‌ها خواهند بود. او خود نیز به دلیل جاه‌طلبی‌هایش نمی‌خواست وانمود کند که یک رئیس‌جمهور معمولی است و از همین رو دست به اقداماتی زد که خارج از تشریفات معمول بود. برخلاف رئیس‌جمهور قبلی او آرام رفتار می‌کرد و دوست نداشت دور و برش را شلوغ کند.

از آن گذشته تاکنون باید گفت انصافاً آن چیزهایی را که وعده داده تا حدودی عمل کرده است. به هر حال اگر ورود اولاند توانست ابتدا فضایی از آرامش و اطمینان خاطر را در میان فرانسوی‌ها به وجود آورد، اما اینک به نظر می‌رسد این فرانسوی‌های نمک‌شناس می‌گویند گرچه این کارها تا حدودی دلگرم‌کننده بوده است، اما کافی نیست و در نهایت نمی‌تواند آنها را از این خندق بحران‌های اقتصادی به سلامت خارج کند.